

# نقد و بررسی فرهنگ اصطلاحات ادیان جهان

با گسترش مطالعات مربوط به فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، تهیه فرهنگ‌های تخصصی و تبیین اصطلاحات رایج در آنها بیش از پیش ضروری می‌نماید. اگر این فرهنگ‌ها و دایرة‌المعارف‌ها در زبان‌های اروپایی، به ویژه انگلیسی، در حد فراوان در اختیار اهل دانش و پژوهش است، در زبان فارسی کاری جدید و کم‌سابقه است. جای چنین آثاری حقیقتاً در کتابخانه‌ها خالی است. اگر از چند فرهنگ بگذریم (که شمار آنها به انگلستان یک دست هم نمی‌رسد) اثری درخور توجه نخواهیم یافت. از جمله آثار معتبر در این زمینه می‌توان به فرهنگ‌های زیر اشاره کرد:

فرهنگ ایران باستان؛ نگارش مرحوم ابراهیم پورداوود؛ فرهنگ اساطیر یونان و روم، نوشته پیرگریمان، ترجمه احمد بهمنش؛ فرهنگ اصطلاحات ادیان نگارش عبدالرحیم گواهی؛ و فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی تهیه جمعی از مترجمان با نظارت استادان برجسته‌ای چون استاد مصطفی ملکیان که از نظر دقت در استخراج معادل‌ها از فرهنگ‌های دیگر اعتبار بیشتری دارد. البته از «فرهنگنامه ادیان» که پژوهشگران و مترجمان مؤسسه ادیان و مذاهب قم در دست تألیف دارند نیز نباید غفلت کنیم که هنوز به زیور طبع آراسته نشده است. آخرین کاری که در این زمینه صورت گرفته فرهنگ ادیان جهان، نگاشته گلناز حامدی است.

نگارنده کتاب در معرفی اثر خود که محصول پژوهشی در دانشگاه تهران است، چنین می‌نویسد:

«جایی که در اکثر رشته‌های علوم انسانی به ویژه حوزه مطالعات ادیان و عرفان جای فرهنگنامه، واژه‌نامه و دیکشنری خالی است، ضرورت تألیف و ترجمه فرهنگنامه توصیفی دوچندان می‌شود و از آن جهت که کاربرد مفاهیم و واژگان در ادیان مختلف به واسطه اینکه فضای مفهومی دینی عرفانی هر واژه متفاوت است، مقایسه کارکرد هر مفهوم در دین خاص برای پی بردن محققان به تشابهات و تمایزات مفاهیم و کاربرد صحیح آن در مطالعات حوزه ادیان و عرفان ضروری می‌نماید و این به دلیل نیاز میرم مترجمان و دانشجویان این رشته و

● لعی‌هاشمی‌اقدم



- فرهنگ ادیان جهان
- گلناز حامدی
- تهران، مدحت، ۱۳۸۴

در نظر گرفته شده است و در مقابل هر نام و کلمه تا حد امکان سعی شده معادل لاتین آن داده شود. معانی واژه‌ها نیز غالباً بیان شده، ولی چون واژه‌نامه تخصصی است از توضیح واژه‌هایی که تصور می‌رود محققان این رشته از آن اطلاع کافی دارند، خودداری شده است.<sup>۲</sup>

اصطلاحات موجود در این فرهنگ، تمام ادیان را شامل می‌شود و براساس الفبای انگلیسی تنظیم شده است. تقسیم موضوعی اصطلاحات این فرهنگ چنین است: (۱) اسامی عرفا؛ (۲) اصطلاحات عرفانی؛ (۳) عناوین کتب مقدس و معتبر؛ (۴) مکان‌های مقدس و مهم؛ (۵) صاحب‌نظران دین‌شناسی و عرفان؛ (۶) عناوین ادیان، مذاهب، فرق و سلسله‌ها؛ (۷) مکاتب فلسفی مهم و بنیان آنها؛ و (۸) موضوعات و اصطلاحات ادیان، مذاهب، فرق و سلسله‌ها اعم از اعتقادی، اخلاقی و شرعی.

#### چند نکته

نوشته حاضر ادامه راهی است که در سال‌های گذشته آغاز شده و در نوع خود برای اهل دانش و تحقیق مفید است، اما گاه ممکن است، دست کم در تلفظ اصطلاحات، بدآموزی‌هایی را موجب شود اگر به نوشته حاضر نظری بیافکنیم اشکالاتی از این دست حقیقتاً غیرقابل اغماض است. نگارنده برای آگاهی علاقه‌مندان چند نکته را یادآور می‌شود:

(۱) متن از نظر ویرایشی بسیار مخدوش است. جملات نامناسب بوده و دقت لازم در تنظیم آنها به کار بسته نشده است (برای نمونه بنگرید به صفحات ۱۷۶-۲۲۲).

(۲) جملات آغازین در توضیح اصطلاحات؛ مناسب و روشن نیست. بهتر بود نویسنده پس از پایان اثر آن را به دست ویراستار ادبی و علمی زبده‌ای می‌سپرد تا این اشکالات برطرف می‌شد.

(۳) مهم‌ترین اشکالی که در این اثر مشاهده می‌شود تلفظ اشتباه اصطلاحات ادیان به ویژه ادیان شرقی است. اولاً نویسنده برای درست خواندن اصطلاحات هیچ راهکاری نشان نداده و از هیچ علامتی نیز بهره نگرفته است. پرسش این است

کلاً در حوزه علوم انسانی و فلسفه می‌باشد، لذا این کتاب در قالب طرحی که بالغ بر هزار اصطلاح تخصصی ادیان و عرفان می‌باشد، به تصویب شورای پژوهشی دانشکده زبان‌های خارجی رسید و در نهایت با تصویب معاونت پژوهشی دانشگاه تهران به جمع‌آوری منابع و ارائه مفاهیم واژگان ادیان جهان و تجزیه و تحلیل و توضیح کلی در مورد آنها اقدام گردید.<sup>۱</sup>

#### روش تنظیم

مؤلف برای تهیه اثر حاضر روش‌های مختلفی را به کار گرفته است، از جمله:

۱. در این پژوهش ابتدا اصطلاحات و واژگان عرفانی و فلسفی ادیان جهان، ادیان ابراهیمی، اسلام، مسیحیت، یهودیت، ادیان هند، هندویی، جایی، سیک، بودایی، ادیان خاور دور، تائو، شینتو، کنفوسیوس، ادیان ابتدایی، ادیان رم، یونان، مصر، ایران باستان به تحقیق و تحریر درآمده است.

۲. در تدوین این واژه‌نامه تخصصی، اعتقادات، اعمال و احکام کاملاً بدون نظر شخصی وصف شده و عقاید و نظریه‌ها بدون دخل و تصرف همان گونه که در طی تاریخ پدیدار گشته ابراز شده است. سعی بر آن بوده تا خدای ناخواسته با اطلاع‌رسانی نادرست، به مقدسات دینی یا آیینی اهانتی نشود. تفاوت میان نظریات دینی اجتناب‌ناپذیر است. این تفاوت‌ها در طول تاریخ و فرهنگ بشری وجود داشته است، از نظر علم ادیان هیچ یک از این نظریه‌ها عجیب نیست و باید بدون هیچ‌گونه تعصب فقط به وصف این ادیان پرداخت. این امر در این تحقیق به دقت مدنظر قرار گرفته است.

۳. در یک واژه‌نامه تخصصی، به خصوص فرهنگ دینی، تعیین حد و مرز اصطلاحات و ارجحیت یک واژه تخصصی بر دیگری امری بسیار دشوار است. به دلیل کمی فرصت، جای بسیاری از موضوعات فقهی، کلامی و حقوقی مهم در این فرهنگ‌نامه خالی است.

۴. واژه‌ها از زبان‌های سنسکریت، لاتین، پالی، عربی، عبری و فارسی باستان هستند، از این رو تلفظ لاتین آنها

دست به انجام رسانند به اهمیت موضوع واقف شوند و شتاب نکنند. چه، آثار منفی این نوشته‌ها چه بسا بیشتر از آثار مثبت آنها باشد.

۶) اشکالات و ایراستاری کتاب نیز غیرقابل اغماض است. صاحب این قلم هرگز دستی در این فن مهم و ضروری ندارد و نوشته‌هایش سخت محتاج و ایراستاری فنی و ادبی است. اما شگفتا که اشکالات مربوط به حوزه و ایراستاری کتاب آن اندازه آشکار است که از دیدگان او نیز در امان نماندند. برای نمونه به این عبارت توجه فرمایید:

«لنکاواتاراسوتاترا یکی از نه مهاییاناسوتراها که کلید متون مقدس مهاییانابودیسیم می‌باشد. آن به شکلی مفصل در ترتیب، خلاصه‌ای مهم گرچه بدون روش را از تفکر مهاییان بودیست ارائه می‌کند. این لغت به معنی «پاکیزه» در سیلان (Cylon) و شامل مکالمه میان بودا و راوانا (Ravana) خدای سیلان و میان بودا و بودیستوا است و همچنین شامل نقد تفکر هندو است در حالی که شباهت‌های میان هندوئیسم و مهاییان بودیسم را تأیید می‌کند».<sup>۶</sup>

خواننده محترم، خود حدیث مجمل از این اغلاط مفصل را خواهد خواند و حقیقتاً از توضیحات نگارنده بی‌نیاز است. به نظر می‌رسد که مؤلف محترم این عبارت را از جایی ترجمه کرده ولی مأخذ آن را نیاورده است و تأملی بر ترجمه خود نکرده است تا دست کم آن را تنظیم نماید و توجه کند که عدد «نه» با «مهاییاناسوتراها» جمع نمی‌شود؟!

کوتاه سخن آن که اثر حاضر به هیچ وجه برای خواننده قابل استفاده نیست و صاحب این قلم به مؤلف محترم مشفقانه توصیه می‌کند که هرچه سریع‌تر نسبت به آن تجدیدنظر کند، چه بسا که مراجعه‌کنندگان به این کتاب از مسیر درست علمی گم شوند.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. فرهنگ اصطلاحات ادیان جهان، ص ۵.

۲. همان، ص ۵-۶.

3. S.R, Dasgupta, *A History of Indian philosophy*, Vo.2 (Delhi, Motilal Banarsidass, 2001, P46.

۴. فرهنگ اصطلاحات ادیان، ص ۱۲۴.

5. Dasgupta, P.234.

۶. فرهنگ اصطلاحات ادیان، ص ۱۲۵.

که خواننده از کجا باید بفهمد که تلفظ نویسنده صحیح است یا نه. در خواندن اصطلاحات به ویژه عناوین خاص و اشخاص نوشتن معادل‌های انگلیسی کافی نیست برای مثال: در برابر می‌مامسه معادل Mimamsa قرار گرفته است خواننده چگونه متوجه شود که حرف *a* را «آ» بخواند یا «ا»؟

این در حالی است که اگر مؤلف محترم از اهل فن و استادان برجسته این ادیان، به ویژه استاد دکتر مجتبیایی و استاد ملکیان، جويا می‌شد به یقین نتیجه بهتری می‌گرفت. همچنین، چنانچه به کاربرد این واژه در دایرةالمعارف‌های معتبر رجوع می‌کرد. تلفظ صحیح را به دست می‌آورد. این واژه در یکی از منابع معتبر<sup>۲</sup> چنین نوشته شده است: Mimāmsā که در فارسی به صورت «می‌مامسا» نوشته می‌شود. خطا در تلفظ در واژه‌های دیگر نیز دیده می‌شود، از قبیل: ابی دارما، آهیم سا، آدی بودا، ادویتا و دانتا، آلیا و یچنانا، آرنیاکا و...

همچنین برای واژه انگلیسی Lankāvātāra Sutra، معادل فارسی لنکاواتاراسوتاترا انتخاب شده است<sup>۳</sup> در حالی که آوانویسی همین واژه در یک منبع معتبر<sup>۵</sup> چنین آمده است: Lankāvātāra Sutra که در فارسی باید آن را «لنکاواتاره سوتره» نوشت.

تقریباً در تمام اصطلاحات مربوط به ادیان شرق به ویژه هندوئیسم و بودیسم چنین اشتباهاتی وجود دارد که برای دانشجویان بدآموزی خواهد داشت و دقت علمی اثر را کاملاً زیر سؤال می‌برد. عناوین و اصطلاحات در سنت‌های مختلف و در زبان‌های گوناگون یکسان تلفظ نمی‌شود. محقق این حوزه‌ها باید از تمامی آنها آگاهی کافی داشته باشد یا دست کم به اهل فن مراجعه کند.

۴) استفاده از منابع اندک، از اشکالات دیگر این اثر است. برای تنظیم این اثر در چنین موضوع مهمی تنها از هشت منبع استفاده شده است، ورود به این موضوع گسترده، فقط با اتکا به آشنایی با یک یا دو زبان جسارت فراوانی می‌خواهد. این در حالی است که مؤلف در مقدمه خود هیچ اشاره‌ای به معیارها و ملاک‌های انتخاب خویش نکرده است.

بهتر بود نویسنده معیارهای انتخاب خود را یادآور می‌شد یا دست کم اثر خود را به یکی از ادیان یا فقط عرفان اختصاص می‌داد و از منابع موجود که انصافاً زیاد است و مکفی، بهره می‌برد و در چاپ اثر خود عجله نمی‌کرد.

۵) درباره توضیحات مؤلف درباره اصطلاحات نیز حرف و حدیث زیاد است که در مقال حاضر مجال آن را به نگارنده نمی‌دهد. امید است که دیگران به این امر اهتمام بورزند تا نویسنده این اثر و احیاناً افرادی که در صدند کارهایی از این